

فرّهای و روایت‌های اوستا

حسین اسماعیل‌لو

عضو هیات علمی واحد تقدّه

چکیده

آریانیان مهاجر برای پیدا کردن زیست‌گاهی مناسب هزاران فرسنگ از زادگاه خویش دور شدند و نخستین بندگاهی که توانستند در آن جا سکنی بگزینند کناره‌های دریاچه هامون و سرزمین‌های کنار رودخانه‌های رنگه و هیرمند بوده است و طولی نکشید این سرزمین‌ها از تقدّس ویژه‌ای برخوردار شدند.

وجود خدایان گوناگون و پرستش آن‌ها در جهت به دست آوردن سود یا راندن آفت، یکی از نمودهای باور آریائی‌ان بود و هر یک از عناصر طبیعت پیرامون، برای خود خدایی داشت و هر خداوند با آئین ویژه‌ای ستایش می‌شد و نداشتن درکی درست از حوادث طبیعی از آن عوامل به عنوان خشم خدایان یاد می‌کردند و گاهی به علت سود رسانی مورد تقدّس و پرستش قرار می‌داند که در این مقاله کنکاشی مختصر از چگونگی اعتقاد ایرانیان باستان به فرّهای خواهیم داشت.

واژه‌های کلیدی

فرّهای - امشاسپندان - هفت پشت - فروشی - تیشتر - رشن

متن

کناره های دریاچه «کُسنه اویه Konsaoya»^(۱) و سرزمین هایی که میان آن دریاچه و دریاچه «وئوروکشه Vaurukasha»^(۲) قرار داشتند؛ از یک سو و سرزمین های کنار رودخانه های «رنگه Ranga»^(۳) و «هنتومنت Hactumant»^(۴)؛ از سوی دیگر، نخستین بنه گاه آریائیان مهاجری بود که در پی یافتن زیستگاهی درخور، هزاران فرسنگ از زادگاه خویش دور شده بودند. این بنه گاه جدید که به «آئیرینه ورنجه Airyanavaedja»^(۵) شهرت یافت، سرآغازی برای بنا نهادن تاریخی پرفراز و نشیب بود.

دیری نپائید که این سرزمین ها، جایگاه اصلی گسترش باورهای دیرینه آئیرین ها (= آریائیان ساکن در سرزمین آئیرینه ورنجه) گردید. بدین طریق این سرزمین ها از جایگاه تقدس ویژه ای برخوردار گردیدند. وجود خدایان گوناگون و پرستش آن ها در جهت به دست آوردن سود یا راندن آفت، یکی از نمودهای باور آریائیان بود. هریک از عناصر طبیعت پیرامون برای خود خدایی داشت که این خداوند همیشه با آئین ویژه ای ستایش می شد.^(۶) این ستایش تا به آن جا پیش می رفت که آن عنصر به عنوان نماد یک قوم بر روی نشان ها و پرچم های اقوام گوناگون نقش می بست.^(۷)

جدا از باورهایی که از طبیعت مادی سرچشمه می گرفتند و رنگ و بویی مادی داشتند، آئین هایی نیز انجام می گرفتند که ریشه ای فرازمینی داشتند و در ارتباطی کامل با روح معنوی آئیرین ها بودند. آئین «خورنه Khvarena»^(۸) از جمله برجسته ترین آئین های معنوی آریائیان بود که حتی از روزگاران قبل از کوچ بزرگ نیز بدان باور داشتند و به انجام می رساندند.

خورنه یا فرّ، موهبتی ایزدی بود که یک فرد در پرتو آن فروغ و موهبت، می توانست به درجه سالاری، صدارت و حتی سلطنت برسد و موجبات آسایش و دادگستری را برای

دیگران فراهم آورد. بنا به نوشته‌های اوستا^(۹) هر مردی از «آشوتان» و «اهورائیان»^(۱۰) که قابل دریافت این فروغ گردد در واقع به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند از همهٔ دیگر هم‌نوعان خویش برجسته گردد و تا هنگامی که گرفتار «آشموغ»^(۱۱) نگردیده‌باشد، این نیرو یاری‌گر او خواهد بود.

«چنان که در اعتقادات اقوام دیگر نیز دیده می‌شود، اعتقاد به فرّ، مربوط به جامعهٔ کهن و ابتدائی انسان است. انسان یا قبیله‌ای که وظایف خویش را در مورد جهان خود و جهان پیرامون خود دقیقاً انجام داده باشد، انتظار دارد، ایزدان یا مظاهر طبیعت نیز در مقابل، او را یاری دهند. شاید همین اعتقاد به ارتباط طبیعی است که بعداً با تخصصی شدن کارها در جامعه، وظایف جادوگران را در مورد انگیزتن لطف ایزدان و دور کردن قهر ایشان مشخص می‌کرد».^(۱۲)

اما در باور ایرانیان، این نیرو توسط اهورا مزدا آفریده شده بود و در واقع، بخش جدایی‌ناپذیر از ضمیر او بود.^(۱۳) آنان که شایستگی داشتند و نگاهبان داد و انصاف بودند، این نیرو از جانب اهورا مزدا به کالبد آنان می‌پیوست و پیوسته یاری‌گشان بود.

تمام شاهان، «آمشاسپندان»^(۱۴)، ایزدان و حتی مردم عادی می‌توانستند از این نیرو برخوردار شوند و شرط آن، راستی بود و همین که فرد از راستی باز می‌گشت، فرّ از وجود او جدا شده، نفرینش می‌نمود. چنانکه خواهیم دید جمشید به چنین سرنوشتی دچار گردید.

از بُعد مکانی، فرّ جای ویژه‌ای ندارد و چون فرشتگان پیوسته میان زمین و آسمان در رفت و آمدند. چنین به نظر می‌رسد که باید از نخستین آفریدگان اهورامزدا باشد، چرا که در اوستا در بیشتر جاهایی که اهورامزدا ستوده شده، فرّ نیز ستوده شده‌است و اگر کسی از اهورامزدا طلب یاری یا نیکی کرده‌باشد، فرّ نیز جزو آن خواسته‌ها بوده‌است.

همچنین در باور آنان، نیروی فرّ همواره همانند نور بوده‌است و به همان شکل نیز در کالبد

اشخاص فرود می آمده است و گاهی این باور به حدی قوت می یافت که خورشید را آفریدگار فرّ دانسته ، مورد پرستش قرار می دادند^(۱۵) و این باور تا آن جا پیش می رفت که به عنوان نشانه آن قوم بر روی پرچمشان نقش می بست.

آفریدگان مینوی و آفریدگان جهانی هر کدام ، گونه ویژه ای از این نیرو را در اختیار داشته اند . در اوستا این نیرو به دو گونه « ائیرینم خورنه Airenem Khvarna »^(۱۶) و « کوئینم خورنه Kvaenem Khvarna »^(۱۷) گروه بندی شده است . لازم به یاد آوری است که در اوستا هر جا از کلمه فرّ استفاده شده است در برگیرنده حالت کلی فرّ است و هر یک از دو گروه یاد شده (فرّ ایرانی و فرّ کیانی) ، خود از یک اصل جدا شده اند . چنین به نظر می رسد که هدف از گروه بندی این نیرو ، بیان میزان اثرگذاری آن بر افراد می باشد . یعنی میزان قدرتی که همواره با فرّ ایزدان^(۱۸) بوده است با میزان نیروی فرّ کوی ها^(۱۹) یکسان نبوده است.

ایزدان مینوی با برخورداری از نیروی فرّ ، تمام اعمال آفریدگان اهورامزدا را زیر نظر داشته اند و با هم یاری امشاسپندان ، بر آن بودند تا جهانی از راستی - در رفتار، گفتار و پندار که شعار اصلی زرتشت با رهبری اهورامزدا بود - ، بنا نهند. ایزدان زمینی و کوی ها نیز که به نظر می رسد زیر نظر ایزدان مینوی بر مردم جهان حکمرانی می کردند ، دنبال کنندگان راه ایزدان مینوی بودند و مهمترین وظیفه شان برقراری عدل و داد و هدایت مردم به سوی راستی بوده ، در این راه «فرّ کیانی Kvaenem Khvarna»^(۲۰) یاری گر آنان می باشد .

خود ناگفته پیداست که آن چه این دو گونه فرّ را با صاحبانشان پیوند می دهد ، راستی است . این نیرو (= به صورت کلی) همیشه یاری گر راستان بوده ، از آنان نیز پشتیبانی می کند و این پشتیبانی تا زمانی است که شخص در راه راست گام بردارد و به راستی فرمان دهد و به راستی رهنمون باشد .

پیشتر گفته شد که ایزدان مینوی اولین دارندگان فرّ می باشند و اهورامزدا نیز در

رأس آن ایزدان قرار گرفته است. بدیهی است که خود اهورامزدا - که خالق هستی و ایزدان است - به حکم این که «خالق هرچیز، فعال مایشاء است»، دارنده فرّ نیز باشد. چنان که در یشت اول از اوستا (هرمزدیشت)، اهورامزدا در میان پنجاه صفتی که برای خود بازمی‌شمارد، به نیروی فرّ نیز اشاره کرده، می‌گوید:

«اهورا نام من است، مزدا نام من است، آشون^(۲۱) نام من است، آشون‌ترین نام من است، فرّه‌مند نام من است، فرّه‌مندترین نام من است»^(۲۲).

او به کمک این نیرو آفریدگان خویش را زیر نظر دارد و هر که را قابل بداند این نیرو را بر کالبدش وارد می‌سازد تا از جانب او برانگیزنده خیر و راستی گردد.

هفتن یشت یا یشت امشاسپندان، دومین یشت است که متعلق به امشاسپندان صاحب - فرّ است. این یشت قبل از ستایش امشاسپندان آمده و در آغاز، خود اهورا نیز به عنوان خالق فرّ مورد ستایش قرار گرفته است.

«اردیبهشت امشاسپند»^(۲۳)، پس از اهورامزدا، نخستین امشاسپند صاحب فرّ است. اوبا فرّی که در اختیار دارد دفع‌کننده تمام آفت‌ها و بیماری‌ها و ایمن‌کننده جهان از شرّ پلیدان و بدکرداران می‌باشد و به خاطر همین اوصاف است که در اوستا از او به نیکی یاد شده است و در متن یشت مربوط به این امشاسپند، پس از برشماری ویژگی‌های او، چنین آمده است:

«اردیبهشت، زیباترین امشاسپند را برای فرّ و فروغش با نماز [ی] [به بانگ بلند و با زور]^(۲۴) می‌ستائیم»^(۲۵).

پس از اردیبهشت امشاسپند، «آبان»^(۲۶) نخستین ایزد از ایزدان است که از نیروی فرّ برخوردار است. او با این نیرو سبب افزایش گله‌ها، رمه‌ها، برکت مال و خواسته و نیز سبب امنیت و آسایش در کشور می‌شود. برومندی است که از آوازه‌ای بلند برخوردار است. به سان رودی است خروشان که از کوهی مقدّس به نام هَکَر به دریای قَراخ کَرَت^(۲۷)

می‌ریزد:

« اوست برومندی که در همه جا بلند آوازه است. اوست که در بسیار قره‌مندی ، هم‌چند همه آب‌های روی زمین است . اوست زورمندی که از کوه هُگَر به دریای فراخ کَرْت ریزد.»^(۷۸)

ستایش این ایزد همراه با آئین‌های ویژه‌ای ، سبب کامیابی ستایشگر می‌شود . این آیین ستایش بیشتر بر بلندای کوه‌هایا کنار دریاچه‌ها و رودهایی (کنار آب‌هایی) اجرا می‌شد که نزد ایرانیان از تقدس فراوانی برخوردار بودند . آنهایتا آنانی را که دارای ضمیری پاک و هدفی انسانی بودند ، کامروا می‌ساخت و از نیروی فری که در اختیار داشت ، ستایشگر را بهره‌مند می‌نمود و اگر هدفی غیر از راستی داشت وی را از خود رانده ، ناکامش باقی می‌گذاشت . شاهانی چون هوشنگ پیشدادی ، جمشید ، گرشاسپ ، کی کاووس ، کیخسرو و پهلوانانی چون توس و جاماسپ از جمله کسانی بودند که آنهایتا ستایش آنان را پذیرفته ، کامروایشان ساخته‌بود و افرادی چون اژی‌دهاک (=ضحاک) و افراسیاب تورانی با وجود به‌جای آوردن آئین‌های دینی ویژه این ایزد ، ناکام ماندند چرا که هدفی غیر انسانی و نادرست در پیش گرفته‌بودند:

« اژی‌دهاک سه‌پوزه در سرزمین بُوری ، صد اسب و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند ، او را پیشکش آورد و از وی خواستار شد : ای اَرْدوِیسور اناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین ! مرا این کامیابی ارزانی دار که من هفت کشور از مردمان تهی کنم . اَرْدوِیسور اناهیتا او را کامیابی نبخشید.»^(۷۹)

« افراسیاب تورانی تبهکار ، در هنگ زیرزمینی خویش صد اسب و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند او را پیشکش آورد و از وی خواستار شد : ای اَرْدوِیسور اناهیتا ! ای نیک ! ای تواناترین ! مرا این کامیابی ارزانی دار که من به آن فریشاور در دریای قَراخ کَرْت - [فری] که هم‌اکنون و از این پس ، از آن تیره‌های ایرانی و زرتشتِ آشون است - دست یابم .

آردویسور آناهیتا اورا کامیابی نبخشید».^(۳۰) «خورشید»^(۳۱) دومین ایزد صاحب فرّ است . این ایزد با انوار فرّگونه خود سبب افزونی راستی و پاکی می‌گردد . ستایش او نیز سبب چیرگی بر تیرگی و غارت راهزنان و جادوان می‌شود :

«خورشید جاودانه رایومند تیزاسب را می‌ستایم . هنگامی که خورشید فروغ بیفشاند و تابان شود ، هنگامی که خورشید بدرخشد ، صد [ها] و هزار [ها] [ایزد مینوی برخیزند و این فرّ را فراهم آورند و فروفرستند . آنان این فرّ را بر زمین اهورا آفریده پخش کنند افزایش جهان آشه را ، افزایش هستی آشه را ... ، اگر خورشید برنیاید ، دیوان آن‌چه را که در هفت کشور است ، نابود کنند و ایزدان مینوی در این جهان آستومند - (جهان مادی) - ، جایی نیابند و آرامگاهی نجویند».^(۳۲)

«ماه» ، نیز از ایزدان صاحب فرّ است . از نوشته‌های اوستا چنین برمی‌آید که وظیفه این ایزد ، حفظ نژاد دام‌های اهلی و فراهم کردن اسباب بالیدن آن‌ها و نیز افزایش گیاهان می‌باشد . امشاسپندان ، انوار فرّمانند او را در زمین پراکنده می‌سازند تا سبب افزایش سبزینه‌ها گردند:

«ماه دربردارنده تخمه گاو ، آن آشون و رد آشه را می‌ستایم . اینک ماه را دریافتم ، فروغ ماه را نگریستم ، فروغ ماه را دریافتم . امشاسپندان برمی‌خیزند . آن فرّ را فراهم می‌آورند و بر زمین اهورا آفریده پخش می‌کنند . هنگامی که فروغ ماه بتابد ، همیشه در بهاران گیاه سبز از زمین می‌روید ... ماه دربردارنده تخمه گاو ، آن بخشنده رایومند آبرومند ، آن تابنده ارجمند بختیار توانگر چالاک ، آن سودمند گیاه‌رویاننده آبادکننده ، آن بغ درمان بخش را می‌ستایم . ماه دربردارنده تخمه گاو را برای فرّ و فروغش بسا نماز [ی] [به بانگ بلند و با زور می‌ستایم».^(۳۳)

«تیشتر» نیز به‌عنوان ایزد ، باران از ایزدان صاحب فرّ است . ستایش او سبب دوری خشکی و قحطی می‌شود و مردم بدون کوچکترین چشم‌داشتی از سوی این ایزد ، به

خواسته‌هایشان می‌رسند. تمام آفریدگان اهورا مزدا چشم به راه او هستند تا « آن فروغ سپید افشان درخشان در مان‌بخش تیز پرواز بلند از دور تابان ، روشنایی پاک افشاند.»^(۳۴)

این ستاره همواره در کنار مقلّسانی چون دریای فراخ کُرت ، رود ونگوهی ، فرکیانی ، فروشی ،^(۳۵) و زرتشت ، ستوده شده است . چرا که او یگانه رهاننده نسل ایرانیان از قحطی و نابودی است و اعتبار او به حدی است که خود اهورا مزدا می‌گوید:

« تیشتر ، ستاره ایومند فرمند را می‌ستائیم ، آن اندوه‌گسار نیرومند کاردان فرمانروا را که با هزار خواسته ، آراسته است و کسی را که به خشنودی او کوشد ، کسی را که خواستار شود به رایگان خواسته‌های فراوان بخشد . ای سپیتمان زرتشت ! من آن ستاره تیشتر را در شایستگی ستایش ، در برازندگی نیایش ، در سزاواری بزرگداشت و خشنود کردن و درود و آفرین ، برابر با خود - که اهورا مزدایم - بیافریدم.»^(۳۶)

«مهر»^(۳۷) دیگر ایزد صاحب فرّ است که همانند اهوره مزدا می‌تواند ، دیگران را نیز از این نیرو بهره‌مند سازد . این ایزد یکی از ایزدان بزرگ اقوام آریایی است که در بخش شرقی ایران ، سرزمین‌ها را سرشار از سازش و آرامش نماید . یاری‌گر مردمان باشد و از آنان دستگیری نماید . «آن ایزد مینوی بخشنده فرّ به سوی همه کشورهای روان شود . او کسانی را پیروزی بخشد و پارسایان دین آگاهی را زبردستی دهد که با زور بستایندش.»^(۳۸)

مهر نخستین ایزد از ایزدان مینوی است که پیش از دمیدن خورشید بر فراز کوه هرّیتی برز (= کوه البرز که اهورا مزدا برای مهرتدارک دیده‌است) ، حاضر می‌شود و با زیورهای زرین خود از فراز آن کوه زیبا بر خانمان ایرانیان می‌نگرد و اگر کدخدایا شهریان یا شهریار و یا هر یک از بزرگان خانواده‌ای به راهی جدا از راستی و داد باشند ، مهر خشمگین و آزرده ، خانه و ده و شهر و کشور و بزرگان خاندان را نابود می‌سازد .

در قسمتی از مهریشت ، اهورا مزدا درباره‌ی این ایزد به زرتشت چنین می‌گوید:

« ای سپیتمان ! آن نیک را ، آن نخستین دلیر مینوی را ، آن بسیار مهربان را ، آن

بی‌همانند بلند پایگاه را، آن نیرومند دلاور را، آن یلِ کار آزموده را، آن پیروزمند که رزم‌افزازی خوش‌ساخت با خود دارد، آن که دلیرترین دلیران است، آن که داناترین بخشندگان است، آن پیروزمندی که فرّه [ایزدی] از آن اوست، آن هزارگوشِ ده‌هزارچشمِ ده‌هزار دیده‌بان، آن نیرومندِ دانای نافریفتنی»^(۴۹)

«سروش» (۴۰) نیز از ایزدان صاحب فرّ به شمار می‌آید. در مهریشت چنین آمده‌است که هرگاه جنگی میان راستان و ناراستان پدید آید، سروش، رشنو^(۴۱) و مهر با هم شده از حقّ و راستان جانب‌داری می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که سروش نیز از جایگاهی چون مهر برخوردار باشد.

سروش گویا اولین ایزدی بوده‌است که با آئین ویژه‌ای به ستایش اهورا پرداخته‌است و شاید این پایگاه بلند را به همان دلیل به‌دست آورده‌است. در قسمتی از سروش‌یشت دربارهٔ او چنین آمده‌است:

«همچون سگِ چوپان که گرداگرد گله می‌گردد، ما نیز پیرامون سروشِ پارسای آشون و پیروزمند می‌گردیم اینچنین، ما سروشِ پاکِ پیروزمند را با اندیشهٔ نیک، با گفتار نیک و با کردار نیک می‌ستائیم. سروشِ آشون را برای فرّ و فروغش، برای نیرو و پیروزش، برای ستایشی که ایزدان را به جای آورد، با نماز [ی به بانگِ] بلند و با زور می‌ستائیم»^(۴۲).

«رشن» (یا رشنو)^(۴۳) دیگر ایزد از ایزدان صاحب فرّ به شمار می‌رود. اگرچه در متن یشت به در اختیار داشتن نیروی فرّ از سوی این ایزد اشاره نشده‌است، اما این که این ایزد پیوسته با ایزدانی چون ایزد مهر و ایزد سروش می‌باشد، نشان‌دهندهٔ جایگاهی ویژه برای این ایزد است. او سرپرست انجمن ورّه^(۴۴) (=سوگند) است که در آن، ایزدان مقدّسی چون ایزد باد (Vata-Vero Thraghna)، ایزد دلیری (Damoishopamana = دامویش اوپه‌منّه)، فرّ کیانی (Kavaenem Khvarena)، ایزد سور و شادمانی و فراوانی (ستو که Saoka) نیز به‌عنوان داور و همکارِ رشن حضور دارند.

«فروشان»،^(۴۵) دیگر نیروهای صاحب‌فر در اوستا هستند. از متن فروردین‌یشت چنان فهمیده می‌شود که اینان قبل از همه موجودات و حتی امشاسپندان، آفریده شده‌اند. حتی وجود خود اهورا مزدا نیز لبریز از فر و نیروی فروشان است و به کمک آن‌ها به کارهای این جهان سر و سامان می‌بخشد نیز آسمان‌ها را بر بالای زمین نگاه می‌دارد تا بر زمین نور افشاند. از فر آنان است که آب‌ها از زیرزمین می‌جوشند. گیاهان بر روی زمین می‌رویند و خورشید و ماه و ستارگان به راه خویش ادامه می‌دهند.

خود اهورا می‌گوید: «ای زرتشت! از فر و فروغ آنان است که من زمین فراخ اهوره آفریده را نگاه می‌دارم. این [زمین] بلند لطیف پهناور را که در بر گیرنده نسبی چیزهای زیباست؛ که در بر گیرنده سراسر جهان استومند - چه جاندار و چه بی‌جان - و کوه‌های بلند دارای چراگاه‌های بسیار و آب فراوان است»^(۴۶) و اگر این فروشان به یاری اهورا نمی‌آمدند، هر اینه بهترین گونه‌های جانوران و مردمان بر جای نمی‌ماندند و دروغ و ناراستی نیرو می‌گرفت و بر جهان فرمانروایی می‌کرد و جهان از آن او می‌شد.

آنان نگاهبانان اصلی دریای درخشان فراخ‌گرت هستند که در عمیق‌ترین جای آن نطفه زرتشت نگهداری می‌شود.^(۴۷) هر که از آنان یاری بخواهد، بی‌دریغ به او کمک می‌کنند و او را فرمند می‌سازند، چنان که اهورامزدا می‌گوید:

«(آنانند) که یاری خواهان را پیروزی بخشند؛ که نیازمندان را رستگاری دهند؛ که رنجوران را تندرستی ارزانی دارند؛ که آشون را - آشوتی که ایشان را ستایش کنان و خشنودکنان زور نیاز آورد - فر نیک بخشند... فروشی‌ها فر نیک بخشند آنان را مانند آن مرد - زرتشت آشون، رادمرد جهان استومند و رد مردمان - بستاید به‌هنگامی که آهنگ کاری داشت، هنگامی که در بیم و هراس بود».^(۴۸)

«بهرام»^(۴۹) به‌عنوان ایزد جنگ و پیروزی، از دیگر ایزدان صاحب‌فر در اوستا می‌باشد. به‌نوشته اوستا، این ایزد در ده صورت در روی زمین آشکار شده‌است. در

نخستین بازگشت خود به زمین ، به شکل بادِ وزانِ مزداآفریده ، نیروی فرّ را به سوی زرتشت آورد که فروغی است درمان‌گر و نیروبخش . وی همچنین از یاران و ملازمان دائمی ایزد میترا^(۵۰) می‌باشد . چهره‌هایی که این ایزد در چندین بار بازگشت به روی زمین به‌خود گرفته‌است^(۵۱) ، همگی بیان‌گر وجود نوعی قدرت و بزرگی مقام است که در قالب هریک از آن‌ها می‌تواند بر روی زمین و برای موجودات ، به ارمغان آورنده کامیابی و آرامش باشد . او در هم شکندنده همه دشمنان - چه جادوگران و پریان و چه کوی‌ها و کریان‌ها ، می‌باشد و به‌خاطر همین ویژگی‌ها است که اهورا ، بهرام را به‌عنوان نیرومندترین ، فرّه‌مندترین و سودمندترین ایزد ایزدان معرفی می‌کند .

« آرت (= اشی)^(۵۲) دیگر ایزد دارنده نیروی فرّ است . این ایزد نیز اگر چون دیگر ایزدان با مراسم ویژه خود ستوده شود ، ستایشگران خود را مورد لطف خویش قرار داده ، خواسته‌هایشان را برآورده می‌سازد . صاحب‌خانه را چنان می‌کند که همانند یک شه‌ریار برای خود زندگی کند همراه با زیورآلات و زیبایی فراوان برای همسران و آسایش برای اهل خانواده .

آن‌چه در باره این ایزد ، باید گفت آن است که هفت تن از بزرگان و شه‌ریاران ، از این ایزد کامیابی و فرّه‌مندی درخواست کرده‌اند و چون خواسته‌هایشان برحق بوده ، این ایزد نیز کامیابشان کرده‌است .^(۵۳)

« اشتاد^(۵۴) نام دیگر ایزد از ایزدان صاحب فرّ است . از نوشته‌های آغازین یشت مربوط به این ایزد ، چنان برمی‌آید که اشتاد ، همان ایزد فرّ است چرا که موضوع این یشت در باره «فرّ ایرانی» است . این ایزد در یشت‌ها و در چند جا ، در کنار ایزدانی چون ایزد رشنو و ایزد سروش قرار گرفته است و این نکته شاید بیانگر وظیفه‌ای یکسان است که بر عهده آنان گذاشته شده بود .

برای ایزد اشتاد (= راستی ، درستی ؛ و در این معنی به‌غیر از ایزد اشی است) ، در

اوستا صفات چندی بر شمرده شده است که از آن میان سه صفت بیشتر از دیگر صفات جلب توجه می‌کند که عبارتند از « فرادت گئنه Fradat Gaetha یعنی افزایشده گیتی ، افزایشده ثروت زنده ؛ و ردت گئنه Varedat Gaetha به معنی نمو دهنده و بالاینده جهان ؛ و ستو گئنه Savo Gaetha یعنی سود رساننده گیتی » (۵۵) :

« اهورامزدا به سپیتمان زرتشت گفت : من فر ایرانی را بیافریدم که از سور برخوردار ، خوب رمه ، توانگر و فره مند است . خرد نیک آفریده و دارایی خوب فراهم آمده بخشید ؛ از را در هم شکند و دشمن را فرو کوبد . فر ایرانی ، اهریمن پرگزند را شکست دهد ، خشم خونین درفش را شکست دهد ؛ بوشاسب^(۵۶) (= خواب آلوده) را شکست دهد ، یخ [بدان] در هم افسرده را شکست دهد ، پوش^(۵۷) دیو را شکست دهد . سرزمین های انیران را شکست دهد.» (۵۸)

چنان که دیده می‌شود مهمترین چیزی که در این یشت به آن پرداخته شده است ، فر ایرانی Airyanem Khvareno می باشد . در متن اوستا پس از این یشت ، زامیاد یشت قرار گرفته است که موضوع آن نیز در باره فر کیانی Kavaenem Khvareno می باشد .

در اوستا فقط از این دو گونه فر سخن به میان آمده است . چنین به نظر می‌رسد که این گونه گونی بدان دلیل صورت گرفته است که میان آن دو تفاوتی به وجود آورد و باز چنان می‌نماید که فر ایرانی Airyanem Khvareno از آن ایزدان ایرانی باشد - که تا به این جا ، سخن از آن‌ها بوده است - همان ایزدانی که دستیاران اهورامزدا در کار اداره این جهان به شمار می‌آیند . این گونه از فر برای همیشه با آنان است و آن ایزدان نیز می‌توانند کسانی را که خود شایسته می‌دانند از این نیرو بهره مند ساخته ، یا آنان را از دست یابی به فر ناکام گذارند . در مقابل ، چنان که گفته خواهد شد ، فر کیانی ویژگی هایی جدا از فر ایرانی دارد .

این که چرا یشت مربوط به ستایش فر ایرانی پیش از یشت فر کیانی آمده است ،

می‌تواند بیانگر درجه ارزش این گونه از فرّ نسبت به فرّ کیانی باشد، چرا که فرّ ایرانی از آن خدایان عامّه ایرانیان؛ و فرّ کیانی از آن کوی‌ها بوده است، [بدین معنی که ایزدان از پایگاهی برتر از کوی‌ها برخوردار بوده‌اند]، و در یک کلام، جایگاه خدایان آسمانی برتر از خدایان زمینی بوده است.

«زامیاد»^(۵۹) نیز از دارندگان نیروی فرّ، آفریده اهورا بوده است. این ایزد در کنار ایزدانی چون بهرام، فروردین و مهر، از ایزدان نامی ایرانیان بوده است و به همین دلیل نیز یشت مربوط به این ایزد، از بخش‌های مهم اوستا به‌شمار می‌رود. ایزد زامیاد علاوه بر این که خود دارنده فرّ است، گونه‌ای از فرّ را در اختیار آن دسته از کوی‌ها^(۶۰) قرار می‌دهد که خواستار خیراند و در جهت راستی گام برمی‌دارند. این فرّ همواره با صفاتی چون دست‌نیافتنی، مزدا آفریده، سرآمده آفریدگان، بسیار درخشان^(۶۱) و ویژگی‌های دیگری از این دست، در متن یشت ستوده شده است.

از نظر جغرافیایی، جایگاه این فرّ، سرزمین‌های کناره رودخانه هیرمند و دریاچه کنسه‌اویه و تمام رودهایی است که به آن می‌ریزند و کوه اوشیدم، دور تا دور آن سرزمین‌ها را دربر گرفته است.^(۶۲) این بیان بدان معنی نیست که فرّ کیانی در میان این سرزمین‌ها جای داشته است، چرا که این نیرو، نیرویی ایزدی است و فراتر از زمان و مکان است؛ بلکه هدف کوی‌هایی است که در این سرزمین‌ها از این نیرو بهره‌مند شده‌اند.

خود اهورامزدا نخستین بهره‌مند از فرّ کیانی بوده است - که پیش از این نیز گفته شد - او با استفاده از این نیرو^(۶۳) آفریدگان را پدید آورده «فراوان و خوب، فراوان و زیبا، فراوان و دلپذیر، فراوان و کارآمده، فراوان و درخشان، تا آنان گیتی را نو کنند، [گیتی] پیرنشانی، نامیرا، تباهی‌ناپذیر، ناپژمردنی، جاودان زنده، جاودان بالنده و کامروا»^(۶۴) این سخنان در برگیرنده تمامی آفریدگان اهورامزدا از امشاسپندان و ایزدان مینوی گرفته تا شاهان و کوی‌هایی چون هوشنگ پیشادادی و جمشید و گشتاسب و ... می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها ، ارجاعات و یادداشت‌ها

- ۱- نام دریاچه هامون^۱ است که به عنوان یکی از مقدس‌ترین دریاچه‌ها به شمار می‌رود. به نوشته بند هشن، فرّ زرتشت در این دریاچه نگهداری می‌شود.
- ۲- دریاچه اورال کنونی است که در خاک روسیه قرار گرفته است. این دریاچه نیز از دریاچه‌های مقدس نزد ایرانیان بوده است.
- ۳- رنگه از رودهای مهم و مقدس در اوستا است. سرزمین‌های کنار این رودخانه در میان سرزمین‌هایی که به وسیله اهورا آفریده شده‌اند، در جایگاه شانزدهم قرار دارند. (ر.ک اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، وندیداد، ص ۶۶۳ و ۶۶۲)
- ۴- این نام، نام رودخانه هیرمند است که امروزه به دریاچه هامون می‌ریزد. این رود نیز از رودهای مقدس در اوستا به شمار می‌آید. در وندیداد سرزمین‌های کنار این رودخانه جایگاه یازدهم را در میان سرزمین‌های آفریده شده به وسیله اهورامزدا، دارا می‌باشد. در زامیاد یشت آمده است که آن رودخانه با بهره‌مندی از نیروی فرّ کیانی که در اختیار دارد می‌تواند تمام سرزمین‌های انیران را برگردد و در خود فروبرد. (ر.ک اوستا، همان، ج ۱، یشتها، صص ۸-۴۹۷).
- ۵- ایران ویج (= ائیرینه و ئجه) نام سرزمین ایرانیان است. این سرزمین، اولین و بهترین سرزمین در میان سرزمین‌های شانزده گانه است که اهورا مزدا آفریده است. در وندیداد آمده است که اهورا این سرزمین را در کنار رود دانیثیای مقدس آفرید سپس اهریمن، ازدها و زمستان را آفرید و بر این سرزمین چیرگی داد. (ر.ک اوستا، همان، ج ۲، صص ۶۰-۶۵۹).

۱- شرح همه نام‌های اشخاص و اماکی که در این نوشته بیان شده‌اند؛ از دو کتاب فرهنگ نام‌های شامنامه، تألیف علی جهانگیری و «فرهنگ نام‌های اوستا» تألیف هاشم رضی، برداشت شده‌است. برای اطلاع بیشتر به آن دو مأخذ مراجعه کنید.

به نظر می‌رسد که همه رویدادهای ایران (هم بخش اساطیری و هم بخش تاریخی) در این سرزمین شکل گرفته باشند.

۶- البته باید یادآوری کرد که این باورها یا همانند آنها را در میان اقوام مختلف جهان نیز می‌توان یافت. نداشتن درکی درست از حوادث طبیعی مانند رعد و برق، زمین‌لرزه، تندباد، سیل و ...، سبب می‌شد که آن عوامل به عنوان خشم خدایان پنداشته شده، در مقابل، با دادن فدیة و قربانی دفع آفت می‌شده‌است. گاهی نیز بعضی از عناصر به علت سودرسانی‌شان مورد تقدس و پرستش قرار می‌گرفتند. آتش، خورشید، آب و ...، از جمله این عناصر بودند که در برابر آنها نیز آئین‌های ویژه‌ای چون دیگر عناصر انجام می‌پذیرفت و در واقع این آئین‌ها ویژه خدایان آن عناصر بودند نه خود عناصر.

۷- آنچه که امروزه از عکس حیوانات مانند پرنده‌گان، حیوانات وحشی و حتی حیوانات اهلی؛ یا عوامل طبیعت چون خورشید، ماه، ستاره، آتش و ...، هنوز بر روی پرچم بعضی از کشورها دیده می‌شوند، بازمانده همان روزگاران و همان اعتقادات می‌باشند.

۸- خورنه یا خورنگه در فارسی پهلوی به خوره (با او معدوله) و در میان نوشته‌های مانوی به صورت فره و در فارسی به صورت فرّ، خرّه یا فرّه آمده است. (ر.ک لغت‌نامه دهخدا، ذیل فرّ، و اوستا، همان، صص ۱۹-۱۰۱۷)

۹- آنچه که پس از این خواهد آمد بر اساس نوشته‌هایی است که در اوستا آمده است.

۱۰- آشون در اوستا به معنی پیرو آشی است و آشی در معنی راستی، درستی، حق، حقیقت، دادگری، نظم و ترتیب و معانی از این دست می‌باشد.

۱۱- در اوستا نام دیویفریفتار آشه می‌باشد که سعی می‌کند او را از راه راست بازگرداند و به این جهت پیوسته در اوستا مورد سرزنش قرار گرفته است. این لغت در برهان قاطع به صورت آسموغ آمده است و در معنی آن نیز چنین نوشته شده است: «از متابعان اهریمن که

سخن چینی، فتنه‌انگیزی، دروغ گفتن، میان دو کس جنگ انداختن و عداوت بهم رسانیدن، تعلق به او دارد.» (ر.ک برهان قاطع ذیل کلمه آسموغ)

۱۲- ر.ک پژوهشی در اساطیر ایران ص ۱۲۰.

۱۳- بر پایه نوشته‌های اوستا، اهورا با کمک این نیرو به امور دنیوی سر و سامان می‌بخشید و بر رفتار آفریدگان خویش مراقبت می‌نمود. آنان را از بدی‌ها باز می‌داشت و به آنان نیروی چیرگی بر پلیدی‌ها می‌بخشید. در جنگ‌ها، طرفداران حق و راستی را یاری‌گیری می‌کرد و از دل ستمدیدگان غبار غم را می‌زدود و همواره پشتیبان آنان بود.

۱۴- این عنوان در اوستا به صورت Amsha-spenta آمده است. به نظر می‌رسد که اینان نقش فرشتگان را به عهده دارند و از زندگی جاویدان و بدون مرگ برخوردارند. گاهی نیز در برگیرنده هریک از صفاتی هستند که در اوستا برای اهورامزدا ذکر شده‌اند. در کل، اینان از یاران اهورامزدا به حساب می‌آیند و نگاهبانان و پیام‌رسانان راستی به مردم می‌باشند.

۱۵- در مورد این موضوع در خورشید یشت بحث خواهد شد.

۱۶- این نیرو - چنان که خواهیم دید -، در یشت جداگانه‌ای به نام اشتاد یشت ستوده شده است و همان فرّ ایرانی است.

۱۷- این گونه فرّ نیز در یشت جداگانه‌ای به نام زامیاد یشت ستوده شده است و ویژه گویها و مردم عادی می‌باشد.

۱۸- ایزد از ریشه یَز و یَزَت (= Yazata) می‌باشد. در اوستا یعنی هر چیز شایسته ستایش و در سنکریت به صورت یَجَتَه می‌باشد. به موجب اوستا و عقاید دینی ایرانیان، هر چیز که سودمند و بهره‌رسان باشد قابل و سزاوار ستایش است یعنی ایزد می‌باشد به همین جهت است که ایزدان در اوستا دو گونه‌اند: ایزدان جهانی و ایزدان مینوی که اهورامزدا در راس همه ایزدان مینوی جای دارد. (ر.ک اوستا، به اهتمام هاشم رضی، ص ۱۵۱)

واژه‌های یسته، یشت، بَرَشَن در اوستا؛ و ایزد، یَزِد، یزدان - که جمع یَزِد = ایزد است و امروزه مفهوم مفرد دارد -؛ و جشن در فارسی، از همین بنیاد (یَزِت) است. (ر. ک اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۲ ص ۹۴۰)

۱۹- کوی صورت کامل کیّ است که امروزه به عنوان پیشوند در مقابل نام تمام شاهان کیانی مثل کی قباد، کی کاووس، کی خسرو و ... می‌آید. قبل از زرتشت، آنان امیران و فرمانروایان حاکم بر مردم بودند. گروه دیگری نیز به نام کرپان‌ها وجود داشتند که نقش کاهنان دینی را داشتند. پس از ظهور زرتشت، این دو گروه که او را در مقابل اندیشه‌های برتری جویی خود می‌یافتند، به مخالفت برخواسته، به جنگ با او رفتند. از میان این دو گروه، کوی‌ها رفتار ملایم‌تری از خود نشان می‌دادند چنانکه به درجه فرمانروایی نیز رسیدند و بعضی‌ها نیز تا آن‌جا پیش رفتند که از نیروی فرّ نیز برخوردار گشتند. (جهت اطلاع بیشتر، ر. ک اوستا، همان، ج ۲ ص ۱۰۳۶)

۲۰- در اوستا به صورت آشکار به تعلق فرّ به هریک از ایزدان مینوی یا جهانی، اشاره‌ای نشده است اما چنین به نظر می‌رسد که بازگویی دوگونه فرّ، نشان از تفاوت عمل کرد هریک از این دوگونه باشد چنان که خواهیم دید در بازشماری ایزدان صاحب فرّ، نامی از فرّ ایرانی یا کیانی به میان نیامده است. هم‌چنان که در بازشماری کوی‌های صاحب فرّ، نامی از فرّ ایرانی به میان نیامده است.

۲۱- ر. ک بند ۱۰ در همین پی‌نوشت‌ها.

۲۲- ر. ک اوستا، همان، ج ۱، هرمزد یشت، کرده ۱۲ ص ۲۷۴.

۲۳- این امشاسپند به غیر از ایزد اردیبهشت است که ایزد تندرستی است و در هفتتن یشت مورد ستایش قرار گرفته است. یشت سوم به نام این امشاسپند است که با یاری فرّ، تمام بیماری‌ها، آفت‌ها، روحانیان بدآموز، گرگ‌زادان، شروران، زنان بدکاره، بادهای

مخالف و خیلی از بلاها را برمی اندازد به همین دلایل، با آئین‌های ویژه‌ای ستوده می‌شود و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۲۴- هدایای آبکی مانند شیر و آشامیدنی که با رسم خاصی در مقابل هدایای غیر آبکی قرار می‌دهند. (جهت اطلاع بیشتر ر.ک اوستا، همان، ج ۲، ص ۹۹۹)

۲۵- اوستا، همان، ج ۱، اردیبهشت یشت، کرده ۱۸، ص ۲۹۲.

۲۶- نام این ایزد در اوستا به صورت آردویسور آناهیتا Aredvisura آمده است که به معنی آبدار زورمند نیالوده می‌باشد. براساس نوشته‌های اوستا این ایزد بدان سبب آفریده شده است که نگاهبان کشور، ده، سرزمین و مردم باشد. گویا ساسانیان از موبدان و خادمان معابد این ایزد بوده‌اند و هیچ‌یک از معابد ایرانیان به اندازه معابد آناهیتا دارای ارج و قدرت نبوده‌اند.

۲۷- هُکَر (Hukairyā) نام کوهی مقدس است که در زامیاد یشت در شمار کوه‌هایی قرار گرفته است که مورد ستایش واقع شده‌اند. فراخ کرت (Vourukasha) نیز همان دریای مقدسی است که نطفه زرتشت بوسیله ۹۹۹۹۹۹ فروشی نگهداری و پاسداری می‌شود تا سوشیانت‌های سه‌گانه از آن نطفه به دنیا آیند. ارتباطی عمیق و مقدس بین کوه، آب رودها و دریاچه‌ها در میان نوشته‌های اوستا به چشم می‌خورد. در قسمت‌های زیادی از اوستا به ویژه در زامیاد یشت که مورد بحث قرار خواهد گرفت، کوه‌ها و دریاچه‌های فراوانی ستوده شده‌اند.

۲۸- ر.ک اوستا، همان، ج ۱، آبان یشت، کرده ۲، ص ۲۹۸.

۲۹- همان، کرده‌های ۳۱-۲۹.

۳۰- همان، کرده‌های ۴۳-۴۱.

نکته‌ای که باید اشاره کرد آن است که تمام کسانی که از جانب آناهیتا کامروا شدند او را بر فراز کوه یا کنار دریاچه یا رود ستایش کردند اما ضحاک و افراسیاب از

مکان‌هایی غیر از کوه و آب به ستایش آنها پراختند. دور از ذهن نیست که آن دو به دلیل احترام نگذاشتن به آب و کوه - که از مقدّسات ایرانیان بوده‌اند و خود دلیلی بر نبودن نیت پاکشان است -، کامروا نگشته‌اند.

۳۱- خورشید یشت در اوستا به این ایزد تعلق دارد. شکل اصلی آن Hvare-khshat می‌باشد که لفظ هور و خور در فارسی از آن گرفته شده است.

۳۲- ر.ک اوستا، همان، ج ۱، خورشید یشت، کرده‌های ۳-۱ ص ۳۲۳.

۳۳- همان، ماه یشت کرده‌های ۶-۳ ص ۳۲۶.

۳۴- تیشتریه Tishtrya ستاره‌ای است که تیر یشت در اوستا به نام او سروده شده است. هنگامی که دیو خشکی راه باران را ببندد، مردم با آئین‌های ویژه‌ای دست به دامان تیر شده از او یاری می‌خواهند. آن گاه تیر به کمک آنان برخواسته، پس از شکست دادن دیو خشکی سبب ریزش باران می‌شود. مطالعه دقیق این یشت به روشنی بیانگر رویارویی نیروهای خیر و شرّ می‌باشد که سرانجام خیر بر شرّ، خوبی بر بدی و ایزد بر اهریمن پیروز می‌شوند. (ر.ک اوستا، همان، ج ۱، تیر یشت، کرده اول بند دوم، ص ۳۲۹)

۳۵- راجع به فروشی در یشت مربوطه بحث خواهد شد.

۳۶- ر.ک اوستا، همان، ج ۱، تیر یشت، کرده شانزدهم بند ۵۰-۴۹، ص ۳۴۱.

۳۷- مهر در اوستا به صورت Mithra آمده است که از خدایان کهن ایران باستان به شمار می‌آید. آئین میترائیسم - که روزگاری می‌رفت تا عالم گیر شود -، در برگیرنده آئین‌های هم‌سانی است که در سرزمین‌های چین و هندوستان نیز یافت می‌شوند. این ایزد - که یشت دهم نیز به نام اوست - از ایزدان بسیار نیرومند است که یارانی چون فرّ کیانی، آرْت نیک، پارندی Parandi (= ایزد نعمت و برکت) و فروشی‌های پاک دین، پیوسته با او بوده، جانب‌دار حقّ و راستی هستند و بدان را به سزای کردارشان که دوری از نعمت و

برکت است، می‌رسانند. (جهت اطلاع بیشتر، ر.ک مانندگی اسطوره‌های ایران و چین صص ۷-۳۰۱).

۳۸- ر.ک اوستا، همان، ج ۱، مهر یشت کرده چهارم، بند شانزدهم ص ۳۷۵.

۳۹- ر.ک همان، کرده سی و سوم، بندهای ۴۱۱-۱۴۰، ص ۳۸۷.

۴۰- سروش از ایزدان اصیل آئین زرتشتی است که در سرودهای زرتشت (= گائدها) نیز از او یاد شده است. «در اوستا به صورت Sraosha و از واژه Sru به معنی شنیدن آمده است. معنای این واژه، در اصل، فرمان‌برداری و اطاعت است و منظور اطاعت و فرمان‌برداری از دین و فرمان‌های اهورامزدا است» (ر.ک اوستا، به اهتمام هاشم رضی، ص ۲۸۷).

در میان ایزدان، سروش، ایزد جوانان و ایزد باروری به شمار می‌رود.

۴۱- رشن یا رشنو ایزد راستی است که در رشن یشت درباره او سخن می‌گوییم.

۴۲- ر.ک اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۱، یشت‌ها، سروش یشت، کرده اول،

بندهای ۸ و ۷، ص ۳۹۱.

۴۳- نام این ایزد در اوستا به صورت Rashnu آمده است که ایزد دادگری است. این

ایزد می‌بایست به هنگام ایجاد اختلاف میان دو نفر یا چند گروه، پیشان به داوری می‌نشست تا آن‌که بر حق بود آشکار می‌شد.

۴۴- در اوستا به صورت ورنگه آمده است به معنی برگزیدن و باور کردن. روشی

بوده است برای بازشناسی درست از نادرست که برای خود آئین‌های ویژه‌ای داشته است.

«در اروپای سده‌های میانی نیز آزمونی به نام اُردالی Ordalie بوده که دو گونه سرد و گرم

داشته است. از کتاب دینکرت بر می‌آید که در ایران باستان چند گونه ورنه بوده است که

یکی را کَرْتک وَر (= ورنه گرم) و دیگری را بر سَمک وَر (= ورنه با بر سَم) و دیگری را

پاورو خوران می‌گفتند. در این گونه اخیر گویا دو سوی دعوا را به خوردن زهری وا

می‌داشتند تا هریک از آن دو که بی‌گناه است از این آزمون تندرست بدر آید ... آزمون آهن‌گدازان یا فلز گداخته نیز گونه‌ای وراست ... در شایست و نشایست (بخش ۱۵ بندهای ۱۷-۱۵) آمده است: آزمایش فلز گداخته این است که بر روی دل (سینه) صورت می‌گیرد. دل باید به اندازه‌ای پاک و بی‌آلایش باشد که وقتی فلز گداخته روی آن ریخته شد نسوزد ... واژه سوگند و ترکیب سوگندخوردن که در فارسی مترادف با قسم و قسم‌یاد کردن (= قسم خوردن) آمده، یادگار یکی از گونه‌های ورا در روزگار باستان است که به همپتکاران (= دو مدعی) آمیزه آب و سوگنت (گوگرد) می‌نوشانیده‌اند، گناهکار را از بی‌گناه بازشناسند. همین واژه سوگنت اوستایی است که در فارسی سوگند را از آن داریم. (ر.ک اوستا، همان، ج ۲، تعلیقات، صص ۲-۱۰۷۰).

در شاهنامه فردوسی نیز گونه‌ای از این نوع ورا در داستان سیاوش به چشم می‌خورد که در آن داستان، او برای اثبات بی‌گناهی خویش مراسم ورا را به انجام میرساند و بی‌گناهی خویش را اثبات می‌کند. (ر.ک شاهنامه فردوسی، ج ۳، داستان سیاوش)

۴۵- فروردین یشت در برگرفته سرودهایی در ستایش از این ایزد است. اصل فروشی از کلمه فرورتی Fravaraty است. این واژه در اوستا به صورت فروشی Fravarshi و به معنی مردان پاک و درست است. «به موجب اوستای جدید آگاهی می‌یابیم که بدن آدمی از پنج نیرو تشکیل شده است. نخست آهو Ahu که نیروی جنبش، حرکت و حرارت غریزی زندگی است و آن را جان نیز ترجمه کرده‌اند. دوم نیروی دنا Daena که همان واژه مصطلح دین می‌باشد. در اوستا به معنی وجدان و نیروی ممیزه درک می‌شود. سوم بتوذا Baodha که نیروی فهم و درک است. چهارم اورون Urvan که همان روح یا روان است. پنجم فروشی Fravashi یا ذره مینوی و والاترین اجزای متشکله نیروی آدمی است. هر فردی هنگام توگد این نیروی خدایی و ذره‌ای از نور یزال ایزدی در بدنش حلول می‌کند و چون درگذرد این روح ایزدی دوباره به خاستگاهش که عرش اعلاست صعود می‌کند و

فروشی نامیده می‌شود یعنی نیروی پیش برنده و تعالی دهنده روح اعلای انسانی» (ر.ک. اوستا، به اهتمام هاشم رضی، ۶-۲۹۵).

۴۶- ر.ک. اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۱، فروردین یشت، کرده ۱، بند ۹، ص ۴۰۶. به نظر می‌رسد که تعداد فروشان و نیز میزان قدرت و دایره عمل کردشان بی‌پایان باشد چرا که «زمینی که منشأ سراسر زندگی مادی است و آرامگاه همه جاندار و بی‌جان [ها] که دارای کوه‌ها، چراگاه‌ها، رودهای پهن و قابل کشتی‌رانی گیاهان و رستنی‌های خوب که مردم و چهارپایان به روی آن آرام دارند» به واسطه و فرآنان حفظ و اداره می‌شود. (جهت اطلاع بیشتر ر.ک. اوستا، به اهتمام هاشم رضی، صص ۳۰۵-۲۹۹ و اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۲، صص ۵-۱۰۲۴)

۴۷- سوشیانت‌های سه گانه، پیامبران و در حقیقت هدایت‌گران و رهایی بخشنندگان موعود در آخر زمان هستند که پس از پایان هزاره سوم پس از زرتشت، از نطفه او - و بعضی بر آنند که از فرآ او - که در دریاچه Uaoru Khosha نگهداری می‌شود به دنیا خواهند آمد و جهانی نو بنیاد خواهند نهاد. تعداد نگاهبانانی که نگهداری از این نطفه - یا فرآ - را بر عهده دارند ۹۹۹۹۹ نفر می‌باشد. در بندهشن محل نگاهداری این نطفه دریاچه Konsa oya دانسته شده و سه پسر زرتشت به نام‌های اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت «یکی یکی چون ایشان را زمانه خود فرارسد، چنین شود که کنیزکی برای سرشستن بدان آب کیانسه (= کنسه اوبه) شود و او را فرّه اندر تن آمیزد، آبستن شود. ایشان یکی یکی، به زمانه خویش چنین زاده شوند». (جهت اطلاع بیشتر ر.ک. پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۱۴۹).

۴۸- ر.ک. اوستا، همان، ج ۱، فروردین یشت، کرده دوم، بند ۲۴، ص ۴۱۰ و کرده یازدهم، بند ۴۱ ص ۴۱۴.

۴۹- بهرام یشت در اوستا به نام این ایزد سروده شده است نام این ایزد نیز در اوستا به صورت Verethraghan آمده است که از ایزدان نیرومند آریائی‌ان به شمار می‌رود. مرگب از

دو بخش وِرَثْرَه Verethra به معنی حمله و غَن Ghan به معنی شکننده می‌باشد که بر روی هم در معنی کسی است که با حمله‌های خود، نیروهای مقاومت کننده را در هم می‌شکند.

۵۰- پنجمین باری که بهرام در روی زمین آشکار می‌شود به شکل گرازی است که از نیروی فراوانی برخوردار است و در همین شکل است که در مهر یشت از ملازمان و نگاهبانان او شمرده شده است. (جهت اطلاع و مطالعه، ر.ک، اوستا، همان، ج ۱، مهر یشت، کرده هیجدهم، بند ۷۰، ص ۳۷۰)

۵۱- چهره‌هایی که در متن یشت برای این ایزد برشمرده شده است به ترتیب

عبارت‌انداز:

الف: باد تندِ وزان که در این شکل نیروی فُرّا برای زرتشت به ارمغان آورد.

ب: گاو نر

ج: اسب سفید

د: شتری رهوار (رام)

ه: گراز تیز دندان (= یکی از نگاهبانان ایزد مهر)

و: جوانی پانزده ساله با پوستی درخشان و چشمانی روشن

ز: مرغ شاهین با پرهای کشیده

ح: میش دشتی با شاخ‌های پیچ در پیچ

ط: بز جنگلی با شاخ‌های تیز

ی: پهلوانی دلیر با پوشش‌های آراسته و دشنه به دست.

۵۲- در متن یشت، این ایزد علاوه از آرت، با عنوان آشی ونگوهی نیز آمده است. چنین

بر می‌آید که این ایزد، ایزد بخشندگی زیبایی باشد. او دختر اهورامزدا و خواهران

امشاسپندان است.

۵۳- این هفت نفر به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱- هوشنگ پیشداری در غلبه بر گروه دیوان
- ۲- جمشید در چیرگی بر مرگ و و فراهم آوردن آسایش برای مردم
- ۳- فریدون در نبرد با ضحاک جهت رهایی خواهران در بند شده جمشید، شهرناز و ارنواز
- ۴- هوم پارسا جهت غلبه بر افراسیاب تورانی
- ۵- زرتشت در جهت تبلیغ دین
- ۶- کی گشتامسب جهت غلبه بر رقیبش ارجاسب تورانی
- ۷- کی خسرو جهت کین‌خواهی سیاوش.

در قسمتی از این یشت چنین می‌خوانیم: «ای اشی نیک! ای اشی زیبا! ای اشی درخشان! ای که با فروغ خویش شادمانی انسانی! ای اشی! ای آن که مردان همراه خویش را فر نیک بخشی!»^۱

از خان‌هایی که اشی نیک، پای در آن‌ها فرونهد، بوی خوش برآید و اندیشه سازگاری و دوستی دیرپای- بهره آن خانمان شود- «(ر.ک اوستا، همان، ج ۱، ارت یشت، کرده دوم، بند ۵، ص ۴۶۸).

۵۴- اشتاد Ashtad در اوستا به صورت ارشتات Arshat آمده است که به معنی راستی

است.

۵۵- ر.ک اوستا، به اهتمام هاشم رضی، ص ۳۲۸.

۵۶- در اوستا به صورت بوش نیستا آمده است و دیو خواب و تبلی است.

۵۷- در اوستا به صورت آپه‌اوشه Apausha آمده که دیو خشکی و بی‌بارانی است.

۵۸- ر.ک اوستا، به اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۱، اشتاد یشت، بندهای ۱ و ۲، ص ۴۸۱.

این یشت بسیار کوتاه بوده دارای ۹ بند می‌باشد و فقط در بندهای اول و دوم درباره فرّ ایرانی سخن گفته شده است. در دیگر بندها، ایزدانی چون ایزد اشی و نگوهی، ایزد تشر (= تیر) و ایزد اردیبهشت، مورد ستایش قرار گرفته‌اند.

۵۹- زامیاد در اوستا به صورت زَم یَزَت و به معنی ایزد زمین یعنی ایزد گماشته شده برای نگاهبانی از زمین، می‌باشد. زامیاد یشت، درستایش این ایزد سروده شده است. این یشت از اوستا به نام‌های کیان‌یشت و خورنه‌یشت نیز نامیده شده است. چرا که این یشت در حقیقت در ستایش فرّ کیانی سروده شده است.

۶۰- چنان‌که پیش از این نیز در بند ۱۹ گفته شد و نیز از آنچه که در بین گانه‌ها آمده است، دو گروه کرپان‌ها و گوی‌ها یا شاهان و امیران که علاوه بر ریاست و زعامت سیاسی، پیشوای روحانی نیز بودند؛ تنها کسی که به زرتشت پیوست و از او یاری کرد کوی ویشتاسب بود اما سایر کوی‌ها یا شاهان و شاه‌زادگان و امیران که هم‌زمان با پیامبر بودند، یا زمانی نزدیک وی، نه تنها دین را نپذیرفتند، بلکه مخالفت نیز می‌کردند. اما کرپان‌ها به‌عنوان کاهنان و پیشوایان مذهبی بودند که مراسم و نیرنگ‌ها و مناسک دینی را که بسیار پیچیده بودند؛ برای مردم انجام می‌دادند و علاوه بر دست‌مزدهای کلان، قدرت فوق‌العاده‌ای نیز داشتند که از آن، به زیان مردم سوء استفاده می‌کردند. (ر.ک اوستا، به اهتمام هاشم رضی، ص ۳۳)

۶۱- صفاتی که آورده شدند سرآغاز بیشتر بندهای این یشت را تشکیل می‌دهند.

۶۲- بیشتر نیز گفته شد که آب‌ها و کوه‌ها نزد ایرانیان از جایگاه معنوی ویژه‌ای برخوردارند و شاید به علت همین تقدس بوده است که در ابتدای این یشت از بیش از یکصد و پنجاه کوه نام برده شده است. در باب تقدس آب نیز در مهریشت اشاره شد که زرتشت نمرده است و نطفه او در دریاچه کنسه‌اویه به وسیله ۹۹۹۹۹۹ فروشی نگاهبانی

می‌شود تا در آخر هزاره سوم پس از زرتشت، سوشیانت‌های سه‌گانه از این نطفه به دنیا آیند و جهانی نو بنیان نهند.

۶۳- پیش از این و در هرمزدیشت گفته شد که اهورامزدا به هم‌یاری نیروی فرّ، دست به آفرینش زده است. در این یشت نیز اهورامزدا از نیروی فرّ کیانی به‌عنوان همکار آفرینش یاد کرده است. در هر حال، او با استفاده از نیروی فرّ (= در معنی کلی)، دست به آفرینش زده است.

۶۴- ر. ک. اوستا، به‌اهتمام جلیل دوستخواه، ج ۱، زامیادیشت، کرده‌اول، بندهای ۱۱ و

۱۰، ص ۴۸۷.

